

بررسی تاثیر روانشناسی محیط بر سلامت روانی و عملکرد افراد

حامد احمدی^۱، سیدمهدی رسولی^۲

^۱ دانشجوی دکتری معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد مهندسی معماری

چکیده

بحث در مورد مقوله روانشناسی محیط به صورت عام و همچنین عوامل محیطی به صورت خاص از جمله مواردی هستند که به جهت نقش و تاثیری که بر رفتار و روان انسان دارند حائز اهمیت می باشند بنابراین محیط به عنوان بستر فعالیت و زندگی انسان می باشد و همچنین تاثیر شرایط محیطی بر انسان اجتناب ناپذیر است. عدم توجه به روانشناسی محیط و تاثیرات آن بر انسان می تواند بر روان و خلق و خوی انسان تاثیر گذار باشد که در بعضی موارد بسیار نگران کننده می باشد بنابراین می توان اینگونه گفت که حس مکان به معانی ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه از محیط خود می باشد که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می دهد به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می شود روش تحقیق برای انجام این پژوهش به صورت روش توصیفی - تحلیلی و استدلالی منطقی می باشد، نتایج این طور نشان می دهد که اگر معماری را شکل دادن هدفمند به مکان و محیط زندگی انسان تعریف کنیم به این نکته میرسیم که دو عامل شکل و زندگی در بطن آن است بنابراین محیط را به شکل ضمنی هر آنچه در اطراف ما است چه ساخته شده چه طبیعی می توان نامید، همچنین بسیاری از عوامل غیر فیزیکی موجود در محیط می توانند محیط را متاثر کنند، بنابراین از لحاظ تاثیر محیط معماری بر عملکرد می توان اینگونه گفت که هم از محیط خود تاثیر پذیر است و هم بر دنیای پیرامون خود تاثیر گذار است.

واژه های کلیدی: معماری، سلامت انسان، روانشناسی محیطی

مقدمه

انسانها در شهرهای امروز کیفیات متفاوتی از محیط را تجربه میکنند (Stamps & Smith, 2002) لذا در دنیای امروز که به جرات میتوان آن را نقطه عطف پیشرفت صنعتی بشر خواند، شهر و شهرنشینی یکی از اصلی ترین این بحث یا این فرایند محسوب میشود. می توان اینگونه گفت که تجمع انسانها در یک منطقه به دلایل مختلفی صورت می گیرد، که به این تجمع انسانی شهر گفته می شود. امروزه با تغییر تعریف کار، رفاه و امنیت، شهر به مکان مناسبی برای برآورده ساختن نیازهای انسان امروز مبدل گشته است. سیل جمعیت که در دهه ی ۹۰-۱۰ از سوی روستاها به سمت شهرها سرازیر شد گویای این مطلب است که انسان امروزی شهر را محل مناسبی برای زندگی خویش می پندارد (باشتی، ۱۳۸۹). که این امر باعث ظهور ساختمانهای بلندمرتبه تأثیرات مثبت و منفی در شهر دارد، از جمله این اثرات، نوعی استرس محیطی ناشی از چیرگی این بناها بر منظر شهری است که با عنوان حس منفی فشار روانی ناشی از ساختمانهای بلند شناخته میشود و در واقع از احاطه شهر و شهروندان توسط ساختمانهای بلند پدید می آید و به دلیل ماهیت مستمر و پنهانی خود متفاوت از سایر انواع استرس می باشد (Hirate, 2012 & Lusk, Koga, Asgarzadeh). مطالعات بسیاری، تأثیرات مخرب شهرنشینی بر روی رفتار انسانی را نشان می دهد. الگوهای رفتار غریزی انسان نیز در شرایط شهرهای شلوغ تغییر می کند. همچنین نشان داده شده است که وقوع بیماری های روانی با شهرنشینی افزایش یافته است به عقیده برخی از کارشناسان، علاوه بر توجه به ارزش کاربری ساختمان، باید به ارزش های احساسی، عاطفی و روانی آن نیز توجه کنند. آن ها معتقدند برای انجام این امر، معماران، باید روابط و دیدگاه های مختلف مردم را راجع به ساختمان و سایت پروژه بدانند. بنابراین اینگونه می توان گفت که ادراک انسان از محیط از محوری ترین مقولات در روان شناسی محیطی است. «ادراک محیطی» فرآیندی است که از طریق آن انسان داده های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می گزیند. لذا ادراک فرآیندی هدفمند است. این گونه ادراک را در اصطلاح «ادراک حسی» می نامند در حقیقت «ادراک محیطی» از تعامل «ادراک حسی» و «شناخت» که در ذهن انسان تجربه شده اند حادث می شوند. در این فرآیند نقش محیط به عنوان عاملی اساسی در رشد، توسعه و در نهایت در یادگیری مورد توجه قرار می گیرد.

روش تحقیق

روش تحقیق برای انجام این پژوهش به صورت روش توصیفی-تحلیلی و استدلالی منطقی استفاده شده است و برای جمع آوری اطلاعات به منابع مکتوب و کتابخانه ای مراجعه شده است.

معماری

همانند سایر هنرها و فنون و تولیدات بشری، معماری نیز علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد جنبه های اصیل و حقیقی و معنوی نیز هست که در پاسخ به نیازهای انسان اعم از معنوی و مادی (همهانگ با جنبه روحانی حیات وی) طراحی و ساخته شده است. به این ترتیب که یک بنا واجد کالبدی است که روح آن تجلی روح فرهنگ و جهان بینی جامعه است. کلمه معماری در تفکر ایرانی که همواره مبتنی بر ارتباط انسان و ماوراء الطبیعه بوده است معنایی بس والاتر و مفهومی معنوی تر از معانی مصطلح و رایج دارد. مرحوم دهخدا در معنای معمار آورده است: "مباشر بنایی و دانای به علم بنایی که به استاد بنا دستورالعمل می دهد (دهخدا، ۱۳۷۷). همچنین بنا بر عقیده لوکوربوزیه که از پیشگامان معماری مدرن به شمار می رود در

جایی معماری را بازی هوشمندانه احجام، زیر نور و سایه ها می داند و در جای دیگر می گوید معماری آن چیزی هست که قلب مرا می لرزاند؛ وی در تعریف اول به جنبه های بیرونی و فیزیکی معماری اشاره دارد و در دومی به شور و هیجانی که از قرار گرفتن در فضای معماری به واسطه جنبه های زیبایی شناختی ایجاد می شود تاکید دارد. حال می توان درباره معماری و پاسخ کلی این بحث در مورد ساخت و ساز اینگونه بیان داشت که معماران به این نتیجه رسیدن که طراحی برای ساخت محیطی همساز با خواسته انسان در جوامع بزرگ و پیچیده، مستلزم همگامی با دانش هایی است که آنها را در رفع کاستی ها یاری سازد. روان شناسی محیطی، زیرمجموعه ای از علوم رفتاری است که رابطه انسان با محیط کالبدی و تأثیرات این دو بر یکدیگر را مورد بررسی قرار می دهد. در این رویکرد، تمرکز اصلی طراح بر شناخت الگوهای رفتاری موجود در بستر طراحی و تلاش برای تأثیر مناسب بر آنها از راه ایجاد قرارگاه رفتاری مطلوب است. بنابراین در مورد تأثیرات محیط مصنوع بر انسان میتوان اینگونه گفت که معانی نمادین محیط مصنوع و عناصر آن (مثل شهره، معابد آرامگاه ها، مقابر و خانه ها در هر یک از تمدن های بشری گویای معنایی است که محیط به ذهن انسان متبادر نموده و بالنتیجه، ادراک او از محیط و بر رفتارش در محیط تأثیر کرده، و در نهایت فرهنگ او را شکل داده و متحول می نموده است (عتیق نیشاپوری، ۱۳۷۰). حال می توان اینگونه گفت که فهم سبک زندگی ابتدا به عنوان شاخصی برای سنجش طبقه ای اجتماعی وارد جامعه شناسی شد، اما در تحقیقات بعدی امکان ساختن سبک زندگی برای شناخت طبقات مختلف مورد شک و تردید قرار گرفت. یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در سبک زندگی، نوع معماری و مهندسی منزل و محل سکونت است. امروزه اکثر روان شناسان تأکید دارند که نوع معماری منازل تأثیر بسزایی بر روحیات و رفتار انسان ها دارد. زیرا بخش عمده ای از عمر انسان در منزل سپری می شود، به خصوص دوران کودکی که هر نقش و نگاری در اطراف و محیط زندگی بر صفحه ی ذهن و روح انسان حکاکی می شود یا در بزرگسالی، که ساعات و لحظات حساس زندگی، مثل ساعات خلوت و تنهایی، یا شادمانی و ناراحتی معمولاً در خانه و منزل می گذرد.

محیط

روانشناسان، جامعه شناسان و معماران هر کدام و بر حسب رشته خود تعاریف زیادی از محیط دارند بر همین اساس نمی توان تعریف دقیقی از آن را بیان کرد. حال با توجه به این نکته محیط، مفهومی است پیچیده و مرکب که ابعاد گوناگون دارد. داده های فضایی، جنبه های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی، و زیستی از ابعاد مهم محیط محسوب می شوند (مرتضوی، ۱۳۸۰) همچنین بنا بر عقیده بعضی دیگر از روانشناسان آن دسته از ویژگی های محیط ساخته شده که به طور مستقیم بر سلامت روان اثر گذار است می توان به این موارد اشاره کرد، آلودگی صوتی، کیفیت هوا و میزان نور، ازدحام، که این موارد علاوه بر تأثیرات مستقیم تغییراتی در روند روانی- اجتماعی که تبعات شناخته شده روان شناختی دارند و می تواند به طور مستقیم اثر بگذارند (طباطبائیان، ۱۳۹۱). از محوری ترین مقولات حوزه روانشناسی محیط می توان به ادراک انسان از محیط گفت، که فرآیند کسب اطلاعات از محیط اطراف انسان می باشد (لنگ، ۱۳۸۱). می توان اینگونه گفت که ادراک انسان در مرکز هر گونه رفتار محیطی قرار دارد زیرا منبع تمام اطلاعات محیطی است (اندرو، ۱۳۷۸). طبق نتایج پژوهش های انجام شده توسط روانشناسان محیطی به گونه ای مستقیم و غیر مستقیم به موضوع تأثیرات محیط بر انسان پرداخته اند اینگونه بیان داشته اند که کیفیت هیجانی و عاطفی محیط مهمترین بخش رابطه فرد با محیط است می توان اینگونه گفت که کیفیت عاطفی محیط عامل اصلی در تعیین خلق و خو و خاطرات مرتبط با یک موقعیت است می توان بر سلامتی و تندرستی فرد اثر گذار باشد (Ward, 1988 & Snodgrass, Russell). بنابراین رابطه انسان و محیط دو سویه است هر

دو به نوعی بر هم تاثیر گذار و از هم متاثر می‌شوند (آلتمن، ۱۳۸۲). بنا به نظریه بعضی از روانشناسان محیطی مطالعه روانشناختی رفتار انسان به گونه‌ای است که به زندگی روزمره او در محیط کالبدی مرتبط باشد. در روانشناسی محیط به آداب، رسوم، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی توجه می‌شود همچنین به عقیده برخی دیگر از روانشناسان محیط را بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی تعریف می‌کنند بنابراین در چنین تاثیر متقابلی فرد محیط را دگرگون می‌کند و همزمان رفتار و تجارت وی به وسیله محیط دگرگون می‌شود (نمازیان، ۱۳۹۲). بنابراین شناخت محیطی مربوط به این امر می‌شود که ما چگونه اطلاعات راجع به محیط فیزیکی اطرافمان را تهیه، آماده، ذخیره و فراهم می‌نماییم. این مقوله شامل شناخت فضایی، که به ما در جهت یابی در محیط، کمک می‌کند و شناخت غیر فضایی، که دربرگیرنده خاطرات و مدل های ذهنی است، می‌باشد. ما با استفاده از ساده سازی، پیرایه گیری و حذفیات متوجه می‌شویم که مردم محیط پیرامون خود را چگونه می‌بینند و چه امان‌هایی برایشان مهم است. برخی روش‌ها به ما می‌آموزد که لازم نیست تمام اطلاعات را مانند یک نقشه به خاطر بسپاریم. بجای آن می‌توانیم یاد بگیریم که اطلاعات را برحسب نیاز خود و به گونه ای خلاصه در ذهن خود نگه داریم. ما ممکن است اطلاعات را ساده کنیم، تغییر دهیم و یا حذف کنیم ولی تمام این کارها در راستای برآوردن نیازهای شخصی ما انجام می‌گردد

سلامت روانی

روابط متقابل ما با دیگران، ارتباطمان با آن‌ها، هنجارهایی که در قبول آن‌ها با دیگران شریک هستیم، خلوت خصوصی در مقابل استقلال و امنیت نقش مهمی در اولویت‌های ما در مورد سکونتگاه دارد. در حقیقت بخش مهمی از تعریف کاشانه عملکرد اجتماعی آن است. در زندگی واقعی رفتارهای ما نیز در بطن محیط اتفاق می‌افتد. اگر چه محیط همواره در حال تغییر است اما غنی از اطلاعات میباشد یعنی علی‌رغم آنچه که دیده میشود. معنای بیشتری در خود گنجانده است (عبدالله‌زاده، ۱۳۹۹). بنابراین مسکن به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های توسعه در جامعه با ابعاد وسیعی که در اقتصاد و بخش اجتماعی جامعه و موارد دیگری که در پی دارد خود اثرات گسترده‌ای در ارائه سلامت و سیمای جامعه دارد (مهدی، ۱۳۸۹). بر همین اساس می‌توان اینگونه گفت که محیط مسکونی نامناسب می‌تواند موجب پیدایش بیماری‌هایی همچون افسردگی و اختلالات رفتاری شود (Tyson, Lambert, & Beattie, 2002). بر همین اساس می‌توان اینگونه پنداشت که کمبود قابلیت‌های محیطی بر اثر امکانات تفریحی، فضای سبز و همچنین وجود اشکالاتی در سیستم طراحی ساختمان موجب ایجاد مشکلاتی در زمینه تحصیلی، اخلاقی رفتاری و روابط والدین و فرزندان و در پی آن سلامت روانی فرد را به خطر می‌اندازد (Gifford, 2007).

علل روند و توسعه روانشناسی محیط معماری

از نظر روانشناسان یکی از مشکلات اصلی که معماران تاکید بیشتری بر مسائل زیبا شناختی فضاهای طراحی شده داشتند تا پرداختن به مسائل کارکردی آن‌ها، بنابراین از نظر روانشناسان اصلی ترین معیار طراحان معماری در فرآیند طراحی توجه به فرم و جنبه‌های زیبایی شناختی آن بود. همچنین بنابر این نظریه روانشناسان معتقد هستند که طراحان نیاز واقعی و روزمره استفاده کنندگان قربانی خواهش‌ها و انتزاعی خویش می‌سازند و با این کار باعث می‌شوند مردم را بیش از پیش با محیط‌های طراحی شده نامانوس ساخته‌اند (مطلبی، ۱۳۸۰). همچنین می‌توان اینگونه گفت که عوامل روانی و اجتماعی بر ادراک ما اثرات

مهمی به جا می گذارند. بدین ترتیب این عوامل از این مسیر در احساس ما از زیبایی موثرند. اینکه خواهیم دید که ادراک زیبایی تحت تاثیر عوامل موثر دیگری نیز قرار دارد. احساس زیبایی و نوآوری در ارتباط با یکدیگرند و از طرف دیگر نوآوری در ارتباط مستقیم با غیر قابل پیش بینی بودن است. نتیجه این ارتباط این است که بعد از اولین برداشت از یک اثر تازگی آن کمتر می شود و در نتیجه اثر زیبایی شناسی نیز نقصان می یابد. زیگموند فروید در کتاب "ناآرامی در فرهنگ" حاصل زیبایی را چنین وصف می کند: "زندگی چنانکه به ما داده شده است برای ما بسیار دشوار است و رنج ها و مشکلات غیر قابل حل به همراه دارد. برای تحمل این زندگی نیازمند تسکین دهنده ای هستیم (کورت گروتز).

زیبا شناسی در معماری

ادراک حسی مرتبط با نظم و یکنواختی، در عین دارا بودن ترکیب بندی و اعتدال، تناسب و هماهنگی دانسته شده است و هستی مستقلی برای آن فرض نشده است (ریخته گران، ۱۳۸۴). همچنین بنا بر عقیده برخی از روانشناسان محیط ادراک زیبا شناختی با تناسب های خاص و ترتیب معینی از اجزاء خطها، رنگها می شمارند به این ترتیب که منجر به خلق فرمی خوشایند و لذت بخش می گردد بنابراین می توان اینگونه گفت که سنجش زیبایی در پی ادراکات حسی روی می دهد و مخاطبین در برابر اثرهای هنری از آن تاثیرات حسی دریافت می کنند (امامی جمعه، ۱۳۹۶). همچنین در خصوص این بحث می توان اینگونه گفت که یک نقاش می تواند تابلو هایش را در خانه یا در آتلیه اش نقاشی کند. آزادی ای در این زمینه که چه چیز می خواهد بکشد، حدکثر به اندازه بوم محدود می شود. بعد از اتمام طرح، تابلو نقاشی برای فروش آماده است، درست مثل هر کالای دیگری، خریدار کسی است که از آنچه کشیده شده لذت ببرد و با قیمت آن هم موافق باشد. اما در معماری اینچنین نیست، عوامل بسیاری مانند قابلیت استفاده، ساختار، مقاومت مصالح مالی و بالاخره ضوابط ساختمانی این آزادی را محدود می کند. در معماری بر عکس نقاشی، زیبایی تنها عاملی که باید مورد توجه قرار بگیرد نیست. اما در اینکه زیبایی شناختی در معماری نقشی اصلی دارد نمی توان شک کرد. تمامی عوامل موثر بایستی یک به یک مورد توجه قرار گیرد و نتیجه حاصل شده به ناچار یک برآیند است. یا به گفته رومالدو جیورجولا: "واقعیت این است که سعی در نزدیک شدن زیبایی شناختی به معماری نیز مثل نزدیک شدن به سایر اصول اجتماعی یا اخلاقی اغلب به تنگناها منجر می شود (کورت گروتز).

حس مکان در معماری

کریستیان نوربرگ شولتز، حس مکان را پدیده های کلی با ارزشهای ساختاری، فضایی و جوی میدانند که انسان از طریق ادراک جهت یابی و شناسایی به آن نائل میگردد. حس مکان در طول زمان، یک حقیقت زنده باقی مانده است. حس مکان، زمانی بیشتر آشکار میشود که به دلایلی ریتم معمول زندگی به هم بخورد، مثال هنگامی که مکان به دلیل وقوع جنگ یا سوانح طبیعی تغییر یابد. مفهوم حس مکان، ماهیت مکان را مشخص میکند و در مکانهایی یافت میشود که دارای کارا کتری مشخص و متمایز هستند (Partovi, 2008). همچنین بنا بر گفته دیگر کارشناسان در مورد حس مکان اینگونه موضوع را شرح داده اند که حس مکان به نقل از پروفیسور جان لنگ چیزی نیست که تنها منتقدان آن را مطلوب بدانند افراد عادی نیز وقتی جایی که با آن سابقه ی آشنایی دارند دستخوش تغییر شود اغلب به خاطر از دست دادن هویت احساس ناراحتی می کنند. این تنها در نتیجه (شوک نو بودن) نیست، یک حس ریشه دار است که می گوید آنچه ساخته شده بیجا است. حس (مال ما بودن) را برای مردم ندارد. هر مکانی دارای یک حس مکان است. این واژه حس مکان دو جنبه دارد یکی جامعه شناسی و

دیگری روانشناسی. همچنین در پدیدارشناختی مکان، تجربه اصلی ترین رکن در ادراک است. یکی از نقش های مهم معماری تحقق عینی حس مکان است، به گونه ای که از طریق چنین حسی، فضای انتزاعی به مکانی ملموس تبدیل شود و شخصیت خود را به دست آورد.

تعلق به مکان

در این سطح فرد نه تنها از نام و نمادهای مکان آگاه است، بلکه با مکان احساس بودن و تقدیر مشترک داشتن نیز دارد، در این حالت نمادهای مکان محترم و آن چه برای مکان رخ میدهد، برای فرد نیز مهم است. (فلاح، ۱۳۸۵). بنابراین به طور خلاصه می توان نتیجه گرفت که عوامل تأثیرگذار بر ایجاد حس تعلق به مکان ناشی از فرد و محیط اطراف او (با تمام ویژگی هایش) است. از این رو این عوامل در یک دسته بندی کلی به دو گروه «عوامل محیطی» و «عوامل فردی» تقسیم می شوند. همچنین، می توان عوامل محیطی تأثیرگذار را به سه دسته عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی و فعالیت های موجود در یک مکان تقسیم کرد که منظور از عوامل کالبدی شاخص هایی مانند فرم، روابط و سازماندهی، مکان های شاخص و خدمات محلی است. همچنین اجتماع، شامل سه شاخصه تعاملات اجتماعی، طبقات اجتماعی و سایر افراد حاضر در بافت است و فعالیت نیز در برگزیده شاخصه هایی از قبیل تعاون و همکاری های محلی و رویدادهای محلی خاطر ساز است. عوامل فردی نیز به دو دسته تصورات ذهنی و ویژگی های فردی تقسیم می شود؛ منظور از تصورات ذهنی، رضایت مندی، امنیت، رابطه ها، توقعات و تعلقات قبلی است (احمدی).

دل بستگی به مکان

وابستگی مکانی به پیوندهای عملکردی و هدف محور با یک قرارگاه اشاره دارد و باز نمود میزانی است که یک قرارگاه فیزیکی شرایطی را برای تأمین اهداف فراهم می آورد (قلعه نویی، ۱۳۹۶). بنابراین احساس دل بستگی به مکان عالی ترین مرتبه رابطه انسان و مکان است که به منظور بهره مندی و تداوم حضور انسان در مکان، نقش تعیین کننده ای دارد. حس دل بستگی به معنی رابطه هم پیوند میان انسان و محیط است؛ در اثر این رابطه، مکان به لنگرگاهی روانی بدل می شود و اهمیت فضا برای شخص، بالاتر از یک نقطه در دستگاه مختصات است. اغلب، حس دل بستگی به مکان از تجربه های شخصی می گذرد و خاطرات جمعی پیوند می خورد (ویکی پدیا). همچنین مکان تنها یک سرپناه برای فعالیت های انسان نیست بلکه پدیده ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا بخشیده و به آن دل بسته می شود تا آن جا که گاه حتی خود را با آن باز می شناسد. اگر از زاویه نیازهای انسان نیز به این مسئله نظاره کنیم، نیاز انسان به تعامل عاطفی با مکانی که در آن زندگی می کند و یا به عبارتی «دل بستگی به مکان»، از جمله مهم ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است که باید مورد توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان شهری قرار گیرد (دانشور، ۱۳۸۸). لذا در رابطه با دل بستگی به مکان می توان اینگونه گفت که در این سطح فرد با ارتباط عاطفی پیچیده ای با مکان دارد مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می دهد در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان ها تاکید می شود (فلاح، ۱۳۸۵).

محیط و تاثیرات آن بر انسان

اگر معماری را شکل دادن هدفمند به مکان و محیط زندگی انسان تعریف کنیم، درمیابیم که دو عامل «شکل» و «زندگی» در بطن آن است. اثر معماری همانند ظرف است و معمار در پی ساختن این ظرف، و آنچه در این ظرف میآید «زندگی انسان» است. پس انسان هم سازنده ظرف است و هم خود به صورت مظلوم در آن قرار می‌گیرد و شکل میپذیرد (ایروین آلتمن) میگوید: محیط و رفتار آن قدر در هم تنیده شده‌اند که به سختی می‌توان آن‌ها را از هم تفکیک کرد رفتار را نمی‌توان مستقل از رابطه درونی با محیط درک کرد رفتار را باید در بستر محیط تعریف کرد (آلتمن، ۱۳۸۲). بنابراین با تعریفی ساده‌تر می‌توان اینگونه گفت که محیط را به شکل ضمنی هر آنچه در اطراف ما است، چه ساخته شده چه طبیعی، می‌توان نامید. با این وجود تعریف ما از محیط بسته به نوع برداشت و استفاده ما از محیط متفاوت است: «جغرافی دانان زمین آب و هوا، روان شناسان مردم و شخصیت فردی آنها، جامعه شناسان سازمان های اجتماعی و فرآیندها و معماران ساختمان ها و محیط های باز و منظر را محیط تعریف می کنند بسیاری از عوامل غیرفیزیکی موجود در محیط می توانند محیط را متاثر کنند. محیط های طبیعی اغلب به عنوان عواملی که از فشار روحی می کاهند در نظر گرفته می شوند اما گاهی در شمار موارد استرس زا قرار می گیرند. محیط را می توان به طرق مختلف برحسب موارد گوناگون دسته بندی کرد. از جمله دسته بندی هایی که در مورد محیط انجام شده تقسیم بندی جان لنگ است وی محیط را در زیر گروه های محیط کالبدی، محیط اجتماعی، محیط روانشناختی و محیط رفتاری تقسیم بندی می کند (محیط کالبدی شامل محیط های زمینی و جغرافیایی، محیط اجتماعی شامل نهادهای متشکل از افراد و گروه ها، محیط روانشناختی شامل تصاویر ذهنی مردم و محیط رفتاری مجموعه عواملی است که فرد به آن واکنش نشان می دهد).

جبری نگری معماری

این دیدگاه از نخستین دیدگاه ها در مورد تاثیر معماری بر رفتار انسان بوده است. لنگ در ابتدای کتاب آفرینش، نظریه معماری بیان می کند که بیشتر نظریه های معماری بر این اعتقاد و اساس بوده است که محیط ساخته شده، یکی از عوامل تعیین کننده رفتار اجتماعی انسان بوده است. این دیدگاه در گفتار آلتمن قابل مشاهده است: «محیط و رفتار آن قدر در هم تنیده شده اند که به سختی می توان آنها را از هم تفکیک کرد. رفتار را نمی توان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد و رفتار را باید در بستری محیطی تعریف کرد.» اما این دیدگاه در واقع نوعی «اعتقاد به جبریت معماری» است.

تاثیر معماری بر عملکرد افراد

آرامش و آسودگی، یکی از مهمترین نیازهای فطری انسان در طول تاریخ، و هدف بخش زیادی از تلاش‌های او در زندگی بوده است. از همین رو، معماران نیز به عنوان هنرمندانی که ظرف زندگی انسان را میسازند، از قدیم تاکنون سعی در ایجاد فضایی آرامش بخش داشته‌اند؛ چه معماران مسلمانی که آرامش را از ملزومات و نتایج ایمان و منشاء آن را قدسی می‌دانند و چه معماران متجددی که بر متنای نگاه روانشناسان انسانگرایی همچون: مازلو، نیاز به امنیت و آرامش را بعد از نیازهای فیزیولوژیک، مهمترین خواسته انسان بشمار می‌آورند (اسدی، ۱۳۹۷). بنابراین معماری علاوه بر اینکه خود دنیایی شگفت‌انگیز است، شگفتی‌های زیادی نیز می‌آفریند. هم از محیط خود تاثیر پذیر است و هم بر دنیای پیرامون خود تاثیر گذار است، از طبیعت و انسان‌ها تاثیر می‌گیرد و بر آنها نیز تاثیر می‌گذارد بطوری که رابطه میان آنها همواره دو طرفه بوده است، از این رو

است که معماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فضاها و محیط‌های مختلف همیشه روح و روان آدمی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و انسان‌ها نیز از این محیط‌های متفاوت با توج به درک و شعور خود، برداشتهای متفاوتی را دارند. بنابراین در طول تاریخ انسان و معماری همواره بر یکدیگر تاثیر گذاشته‌اند و آگاهانه یا در مواقعی ناآگاهانه در مسیر تکامل و یا تنزل یکدیگر نقش داشته‌اند. در گذشته چون ارتباط افراد با جامعه مهم بود، معماری خانه و محیط اطراف هم به گونه‌ای طراحی می‌شد که به سبک زندگی و روابط مردم کمک کند. ساختمان‌ها غالباً با سفارش مالک بر اساس نیاز وی طراحی می‌شد و معمار هم با استفاده از تجربه و هنر خود، ساختمانی را طراحی می‌کرد که مورد نظر صاحب آن بود و بر اساس اصول درست، ساخته شده بود

در ادامه بحث اینگونه باید اظحار داشت که رابطه انسان با فضای معماری رابطه ای روزمره است که بخش مهمی از زندگی او را در بر می گیرد و ارتباطی ناگسستنی با مردم و زندگی آنان دارد این رابطه پیچیده تر از رابطه انسان با فضای هنری نقاشی و مجسمه سازی است، زیرا وی این فضا را از درون نیز تجربه می کند. از این رو بعد از قرن‌ها، هنوز مسأله اصلی معماری، فضا، زندگی و شیوه ارتباط بین این دو است. فضای معماری که اصلی ترین وجه معماری است، از طریق اصلی ترین جنبه زندگی یعنی خلاقیت ایجاد می شود. با اینکه فضای معماری به فضای زندگی انسان ها مربوط است، ولی این ارتباط از قالب خاصی نتیجه نمی شود. فضای زندگی به صورت الگویی از پیش تعیین شده، در جهان ایده آل ها وجود ندارد، بلکه باید ایجاد شود و معمار مسوول ایجاد آن است.

نتیجه گیری:

نتایج به دست آمده از این پژوهش اینطور نشان می‌دهد ساختمان‌های بلند مرتبه‌ای که شهرها را احاطه کرده‌اند تاثیرات ادراکی و روانی فراوانی بر شهروندانی که روزمره با این ساختمان‌ها مواجه می‌شوند دارند بنابراین امروزه طراحی فرم‌های گوناگون محیط ساخته شده پیش از اینکه بر احساس و نگرش‌های شخصی طراحان متکی باشد بر دانش و آگاهی آنان متکی است حال می‌توان اینگونه گفت که آشنایی به روانشناسی محیط در کنار سایر علوم رفتاری می‌تواند نقش مهمی در این خصوص ایفا نماید. همچنین در خصوص اهمیت به روانشناسی محیط می‌توان اینگونه گفت که آنچه روان شناسی محیط را از سایر شاخه های روان شناسی مجزا می سازد، همانا بررسی ارتباط رفتارهای متکی بر روان انسان و محیط کالبدی است. لذا توجه طراحان به بررسی روان شناختی فضاهای طراحی شده پیوندی ناگسستنی بین روان شناسان محیطی و آن ها ایجاد کرده است. اگرچه بیش از چند دهه از احساس نیاز و همکاری روان شناسان و طراحان در شاخه های گوناگون مانند معماری، طراحی شهری، طراحی منظر، طراحی صنعتی و غیره نمی گذرد، اما در بسیاری از دانشگاه های معماری دنیا این دانش در جدول دروس آن ها جایگاه ویژه ای یافته است. از لحاظ تاثیر معماری بر عملکرد افراد می‌توان اینگونه گفت که معماری به معنی هنر ساماندهی فضا است. وقتی معمار فرآیند ساخت یک اثر را مدیریت می‌کند، وارد مسیری می‌شود که به جزئی‌ترین احساسات و عواطف بشری می‌رسد و مستقیماً روی سبک زندگی انسان تاثیر می‌گذارد. می‌توان با قاطعیت گفت، معماری یکی از عوامل مهم برای داشتن جامعه‌ای فعال و پویا، همراه با شهروندانی شاد و پرانرژی است. همچنین از آنجایی که شهروندان جوامع مدرن بیشتر وقت خود را در خانه می‌گذرانند، ساختار خانه و معماری از اهمیت بیشتری نسبت به فضاهای دیگر برخوردار است. بنابراین محیطی که در آن زندگی می‌کنیم فضایی بارور برای رشد و تکامل فردی است. موج مثبتی که از اطرافمان دریافت می‌کنیم، می‌تواند در تقویت احساس عزت نفس و رضایت نقش داشته باشند.

منابع:

- ۱- طباطبائیان، مریم؛ تمنایی، مینا (۱۳۹۱)، نقش محیط های ساخته شده در سلامت روان: مجله معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۲
- ۲- مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰)، روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۳- لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، چاپ چهارم ، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۴- اندرو، مک؛ تی، فرانسیس (۱۳۷۸)، روانشناسی محیطی، ترجمه غلامرضا محمودی، تهران، انتشارات زریاف اصل
- ۵- آلتمن، ایروین (۱۳۸۲)، محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- ۶- نمازیان، علی؛ قارونی، فاطمه (۱۳۹۲)، حلقه گمشده روان شناسی محیط آموزش معماری، نشریه علمی پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۵، بهار و تابستان ۹۲
- ۷- مهدی، علی؛ قرخلو، مهدی؛ و مهدیان، معصومه (۱۳۸۹)، بررسی شاخصهای اجتماعی-اقتصادی و تأثیر آن بر کیفیت مساکن محلات حاشیه نشین (مطالعه موردی: محله حاشیه نشین شیخ آباد شهر قم)، نشریه چشمانداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، ۱۸، ۴۱-۱۸
- ۸- باشتی، شهناز (۱۳۸۹)، شهرنشینی و سلامت روان. آموزش همگانی سلامت روان مجموعه مقالات. تهران: نشر شاسوسا. ۱-۵۹
- ۹- عبدالله زاده فرد، علیرضا؛ شمس الدینی، علی (۱۳۹۹)، نقش کیفیت محیطی محله در سلامت روحی و روانی ساکنان (مطالعه موردی محله سنگ سیاه، کلانشهر شیراز)، دانش شهری ۹۵-۱۱۴ (۲) ۴
- ۱۰- فرخ، اسدی؛ ترابی، زهرا (۱۳۹۷)، تأثیر معماری بر رفتار و انگیزش (مقایسه تأثیر معماری بر رفتار و انگیز ساکنان ساختمان های مدرن (آپارتمان و سنتی))، معماری شناسی، سال اول- شماره ۵، بهمن ۱۳۹۷
- ۱۱- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، روان شناسی محیط دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۰، ۵۲- زمستان ۱۳۸۰
- ۱۲- ریخته گران، محمدرضا (۱۳۸۴)، هنر از دیدگاه مارتین هایدگر فرهنگستان هنر
- ۱۳- امامی جمعه، سیدمهدی (۱۳۹۶)، حکمت صدرایی- سال ششم، پاییز و زمستان، شماره یک
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا (مجلدات ۸ و ۱۴)، دانشگاه تهران، تهران
- ۱۵- عتیق نیشاپوری، ابوبکر (۱۳۷۰)، قصص قرآن مجید (به اهتمام یحیی مهدوی) خوارزمی، تهران
- ۱۶- گروتز، یورگ کورت. از کتاب زیبایی شناسی در معماری، ترجمه دکتر جهان شاه پاکزاد- مهندس عبدالرضا همایون

- ۱۷- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن- نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۵
- ۱۸- قعله‌نویی، محمود؛ زمانی، بهادر؛ پیمانفر، سپیده (۱۳۹۶)، فراتحلیل مطالعات دل‌بستگی به مکان، مجله مدیریت شهری، شماره ۴۸- پاییز ۹۶
- ۱۹- دانشور، عبدالهادی؛ سپهری‌مقدم، منصور؛ چرخ‌چیان، مریم (۱۳۸۸)، تبیین مدل «دل‌بستگی به مکان» و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی- دوره یک، شماره ۳۸
- ۲۰- احمدی، فرزانه؛ افشار علی؛ آقالطیفی، آزاده- عوامل تاثیر گذار بر حس تعلق در فرآیند باز آفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم امام رضا (ع) محله نوغان- مجله هفت شهر شماره ۴۷-۴۸
- 21- Snodgrass, J., Russell, J. A., & Ward, L. M. (1988). Planning, mood, and place-liking. *Journal of Environmental Psychology*, 8(3), 209-222.
- 22- Tyson, G. A., Lambert, G., & Beattie, L. (2002). The impact of ward design on the behaviour, occupational satisfaction and well-being of psychiatric nurses. *International journal of mental health nursing*, 11(2), 94-102.
- 23- Gifford, R. (2007). Environmental psychology and sustainable development: Expansion, maturation, and challenges. *Journal of Social Issues*, 63(1), 199-212.
- 24- Stamps III, A. E., & Smith, S. (2002). Environmental enclosure in urban settings. *Environment and Behavior*, 34(6), 781-794.
- 25- Asgarzadeh, M., Lusk, A., Koga, T., & Hirate, K. (2012). Measuring oppressiveness of streetscapes. *Landscape and urban planning*, 107(1), 1-11.
- 26- Partovi, P. (2008). Martyrdom and the "Good Life" in the Iranian Cinema of Sacred Defense. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 28(3), 513-532.